



A History of the Modern Middle East



تاریخ خاورمیانه مدرن (۶۸)

ولیم کیولند
ترجمه: عسکر قهرمانپور

دوران ترکان جوان و مشروطه خواهان ایرانی

دوره جوانان ترک از ۱۹۰۸ تا فروپاشی عثمانی در ۱۹۱۸، شاهد رویارویی مستقیم تمام روندهای قرن گذشته بود. به آشفته‌گی‌های موجود، پیشنهادهایی برای شکل‌های جدید هویت فرهنگی و سیاسی افزوده شد که با ایدئولوژی غالب عثمانی گرایسی در تضاد بود. وضعیت در ایران نیز به همان اندازه پراشوب بود، زیرا کشور با انقلاب، جنگ داخلی و اشغال خارجی روبه‌رو شد. رویدادهای خاورمیانه در پس‌زمینه تغییرات نظم بین‌المللی جدید رخ می‌داد؛ نطمی که هم وعده‌هایی برای منطقه به همراه داشت و هم خطرناکی جدی. یکی از جنبه‌های امیدوارکننده این نظم جدید، ظهور زاین به عنوان یک قدرت نظامی مدرن بود. در کمتر از پنجاه سال، زاین از جامعه‌ای فئودالی و غیرمتمرکز به ملتی یکپارچه و پیشرفته از نظر فناوری تبدیل شد، به طوری که نهادهایی را بنیان نهاد که در هسته موفقیت‌های اروپایی قرار داشتند؛ یک قانون اساسی (۱۸۸۹) و یک ارتش مدرن.

وضعیت جدید زاین با پیروزی قاطع آن بر روسیه در جنگ ۱۹۰۵-۱۹۰۴ تأیید شد؛ پیروزی‌ای که به طور گسترده‌ای به عنوان نماد پیروزی آسیا بر اروپا جشن گرفته شد. الگوی زاین برای فعالان اصلاح‌طلب در خاورمیانه، هم منبع حسادت و هم الهام بود؛ بسیاری از آنان، آن را نشانه‌ای از آنچه ممکن بود و در واقع آنچه لازم بود، می‌دانستند، اگر قرار بود سلطه اروپا به چالش کشیده شود. در فضای سیاسی متحول اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تحولات در نظام اتحاد‌های بین‌المللی زنگ خطر برای رهبران عثمانی و ایرانی به صدا درآورد و ضرورت اصلاحات نظامی را بیش از پیش آشکار ساخت. قدرت‌یابی فرانسه و آلمان و واکنش بریتانیا نسبت به این تحول، از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده تغییرات در توازن قدرت به شمار می‌آمدند. آلمان در چهارچوب اتحاد سه‌گانه‌ای که توسط بیسمارک در سال ۱۸۸۲ تکمیل شده بود، با اتریش، مجارستان و ایتالیا پیمانای دفاعی منعقد کرد؛ اتحادی که تا آغاز جنگ جهانی اول پابرجا ماند. در واکنش به این اتحاد، فرانسه در سال ۱۸۹۴ با روسیه پیمان اتحاد امضا کرد. بریتانیا که تا آن زمان از ورود به اتحادهای قاره‌ای پرهیزی می‌کرد، با افزایش صنعتی و دریایی از سوی آلمان، ناگزیر شد سیاست سنتی انزواطلبانه خود را بازنگری کند. نتیجه این تغییر رویکرد، توافق غیررسمی میان بریتانیا و فرانسه بود که در سال ۱۹۰۴ تحت عنوان توافق دوستانه شکل گرفت. این توافق، منازعات استعماری دیرینه میان دو کشور را خاتمه داد؛ فرانسه سطره بریتانیا بر مصر را به رسمیت شناخت و در مقابل، بریتانیا نیز موقعیت ممتاز فرانسه در مراکش را پذیرفت. این اتحاد دوجانبه در سال ۱۹۰۷ با برقراری تفاهم میان بریتانیا و روسیه، به اتحاد سه‌گانه گسترش یافت. تفاهمنامه انگلستان-روسیه عمدتاً بر حل منازعات دیرپای دو کشور در آسیای میانه، بویژه ایران، متمرکز بود. بر اساس این توافق، ایران به حوزه‌های نفوذ تقسیم شد: شمال کشور تحت سلطه روسیه، جنوب‌شرقی آن در حوزه نفوذ بریتانیا و منطقه مرکزی به طور رسمی بی‌طرف اعلام شد. با این حال، هرگاه منافع قدرت‌های مذکور ایجاب می‌کرد، بی‌طرفی منطقه مرکزی نیز به راحتی نقض می‌شد. این تحولات نه تنها اهمیت فزاینده خاورمیانه در سیاست قدرت‌های جهانی را نشان داد، بلکه حاکی از آن بود که قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عثمانی ناگزیر از بازنگری در ساختار نظامی و دیپلماتیک خود بودند تا بتوانند در برابر روند سلطه‌جویانه خارجی مقاومت کنند.



هوانیماجی اوکس میهدر سنده در پایگاه آمریکا در عربستان مارس ۲۰۲۰

اما ایرانی‌ها سرسختانه مقاومت می‌کنند و روی این حساب باز کرده‌اند که می‌توانند در یک «رقابت تحمل‌رنج» پیروز شوند. به نظر می‌رسد نتیجه نهایی احتمالاً توافقی باشد که جنگ را متوقف کند، عبور و مرور دریایی را از سر بگیرد، اما بسیاری از مسائل اصلی را حل نشده یا به آینده موکول کند. همان‌طور که سرنوشته ویتنام جنوبی بعدها مشخص شد، آینده برنامه هسته‌ای ایران به زمانی دیگر واگذار خواهد شد. زمانی که دولت ترامپ به نقطه اشتراک با جمهوری اسلامی برسد، در فوریه موافقت کرد. این حملات باعث شد ایران به کشورهای منطقه خلیج فارس حمله متقابل کند و با ایجاد محدودیت در عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز، باعث یک بحران جهانی انرژی شود. در آوریل، ترامپ ناامید از نقش جانسون خارج شد و وارد نقش نیکسون شد؛ یعنی راهبردی مبتنی بر فشار بیشتر، اولتیماتوم‌ها، تهدیدها و در عین حال پیشنهاد مذاکره. این بازگشت به رویکرد «مرد دیوانه» باعث شد در ۸ آوریل آتش‌بس برقرار شود و مذاکرات مستقیمی میان مقامات آمریکا و ایران با میانجی‌گری پاکستان آغاز کرد. اما این روند به امتیازهای مورد انتظار نرسید. تنگه هرمز همچنان بسته ماند و فاصله موضوع دو طرف زیاد بود. ترامپ که هرگز برای یک جنگ طولانی برنامه‌ریزی نکرده بود و با افزایش هزینه‌ها و کاهش حمایت داخلی روبه‌رو شده بود، اکنون به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه از بحران است؛ مشابه همان وضعیتی که نیکسون و کیسینجر در اوایل دهه ۱۹۷۰ داشتند.

منبع: ForeignAffairs

چرا جنگ با ایران برای آمریکا نتیجه مشابهی مثل ویتنام خواهد داشت؟

میراث شکست

از جانسون و نیکسون تا ترامپ



ترامپ که

هرگز برای

یک جنگ

طولانی

برنامه‌ریزی

نکرده بود

و با افزایش

هزینه‌ها

و کاهش

حمایت

داخلی

روبه‌رو

شده بود،

اکنون به

دنیا راهی

برای خروج

آبرومندانه از

بحران است؛

مشابه همان

وضعیتی که

نیکسون و

کیسینجر در

اوایل دهه

۱۹۷۰ داشتند

قدرت‌های بزرگ بود و می‌دانستند که آمریکا باید نسبتاً زود از جنگ خارج شود. در ابتدا تلاش کردند اهداف قدیمی را با ترکیبی جدید از زور و تهدید به دست آورند. آنها امیدوار بودند که با بمباران‌های شدید و تهدیدهای تند، ویتنام شمالی مرعوب شود، اتحاد جماهیر شوروی و چین به کمک وادار شوند و افکار عمومی آمریکا با کاهش‌های کوچک نیروها آرام بگیرد؛ و در مجموع این عوامل به توافقی منجر شود که خروج آمریکا، بقیای ویتنام جنوبی و کنار کشیدن ویتنام شمالی را ممکن کند. این دوره‌ای بود که رئیس دفتر کاخ سفید، اچ. آر. هالدمن، بعدها در خاطراتش آن را جاودانه کرد: [نیکسون] مطمئن بود که می‌تواند ویتنام شمالی را -سرانجام- به پای میز مذاکرات صلح واقعی بکشاند. از نظر او، کلید کار «تهدید» بود و نیکسون برای این نظریه یک عبارت ساخت. او گفت: «من به آن می‌گویم نظریه مرد دیوانه، می‌خواهم ویتنام شمالی باور کند که من به نقطه‌ای رسیده‌ام که برای پایان دادن به جنگ ممکن است هر کاری انجام دهم. فقط کافی است این حرف را به گوششان برسانیم که: «به خدا، نیکسون درباره کمونیسم و سواص دارد. وقتی عصبانی می‌شود نمی‌توانیم مهارش کنیم.»» اما این راهبردی شکست‌خورد. شوروی یا نمی‌توانست یا نمی‌خواست فشار کافی بر ویتنام شمالی وارد کند تا آنها را به پذیرش یک توافق وادار کند. کمونیست‌ها نه فروپاشیدند و نه عقب‌نشینی کردند و جنگ ادامه یافت. ناامیدی از کاخ سفید بیشتر شد. در نهایت، نیکسون و کیسینجر به یک راهبرد دوم برای خروج از جنگ رسیدند؛ ترکیبی از خروج تدریجی نیروهای آمریکا و تلاش جدی برای رسیدن به یک توافق آبرومندانه از بحران مثل کاری که جانسون در ویتنام انجام داد، دوولاد ترامپ نیز وارد جنگ با ایران شد.

متحد ترور شدند و این موضوع باعث شد لیدون جانسون ناگهان مسئولیت دو کشور بحران‌زده را برعهده بگیرد. در ویتنام، نیروهای شمالی که انگیزه و رهبری خوبی داشتند، همراه با نیروهای چرکی خود در جنوب، به تدریج در حال پیشروی علیه دولت ناتوان ویتنام جنوبی بودند. اگر واکنشگتن اقدامی برای تغییر این روند در نهایت سقوط کند و کشور تحت کنترل کمونیست‌ها دوباره متحد شود. جانسون و تیمش چندان به پیروزی در جنگ خوش بین نبودند، اما از پیامدهای داخلی و بین‌المللی شکست در آن می‌ترسیدند. بنابراین تصمیم گرفتند حمایت از سایگون را افزایش دهند، به این امید که نمایش قدرت باعث عقب‌نشینی هانوی شود. در ابتدا این به معنای ارسال کمک‌های اقتصادی و مستشاران نظامی بود. سپس به بمباران آنجامید، بعد اعزام نیروهای زمینی و در نهایت افزایش بیشتر همه این اقدامات. با این حال، هانوی بر اهداف اصلی خود پافشاری کرد و تسلیم نشد. تا سال ۱۹۶۸، جنگ آتقذر از نظر انسانی و مالی پرهزینه‌ترین شده بود و چنان آشفته‌گی داخلی در آمریکا ایجاد کرده بود که واکنشگتن به دنبال راهی برای خروج از آن گشت. خود جانسون هرگز شکست را نپذیرفت، اما روند تشدید جنگ را متوقف کرد، دستور توقف یک‌جانبه بمباران را صادر کرد، از زندگی سیاسی کناره‌گیری کرد و مسأله را به جانشین خود منتقل نمود. این کار به ریچارد نیکسون رسید؛ کسی که همراه با مشاور امنیت ملی اش، هنری کیسینجر، یک الزام اساسی را به ارث برد: پایان دادن به جنگ، اما بدون داشتن سرمایه سیاسی کافی برای ماجراجویی‌های جدید. نه نیکسون و نه کیسینجر هرگز به رها کردن سایگون فکر نمی‌کردند، اما هدفشان بازسازی روابط

یادداشت



کیدتورز

سردبیر سابق فارن افروز

دولت ترامپ تنها در دو ماه، تمام پنج سال سیاست دولت جانسون در جنگ ویتنام را طی کرده است؛ ورود به جنگ، تشدید آن، بن‌بست ناامیدکننده و سپس ورود به مذاکرات. اکنون این روند وارد مرحله‌ای شبیه دوره نیکسون شده است؛ یعنی ابتدا تهدیدهای پرسرو صدا و سپس درک تدریجی نیاز به خروج از جنگ با یک توافق نه‌چندان رضایت‌بخش. اگر این سرعت ادامه پیدا کند، مداخله در ایران احتمالاً ظرف چند ماه آینده پایان خواهد یافت؛ زمانی که در سرزنش‌ها و انتقادهای همین حالا هم آغاز شده‌اند. البته هیچ مقایسه تاریخی کاملاً دقیق نیست و تفاوت‌های واضح زیادی میان جنگ ایران و ویتنام وجود دارد با این حال، شباهت‌های ساختاری قابل توجهی میان این دو درگیری وجود دارد. جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران احتمالاً مانند جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۲ با یک توافق مصالحه‌ای و ناپایدار پایان می‌یابد؛ توافقی که بخشی از مسائل را حل می‌کند اما بسیاری از موضوعات مهم را باقی می‌گذارد، از جمله آینده ایران و برنامه هسته‌ای این کشور. در مقابل، جنگ اوکراین مانند جنگ کره احتمالاً به یک توافق تثبیت‌کننده منجر می‌شود که خطوط فعلی درگیری را عملاً منجمد می‌کند؛ با مرزهایی که تحت یک آتش‌بس طولانی و نسبتاً پایدار باقی می‌ماند، حتی اگر حل نهایی اختلافات رخ ندهد.

«نصف‌راه» با جانسون

در نوامبر ۱۹۶۲، رهبران ویتنام جنوبی و ایالات

همراه با مردم؛ پایرجا در میدان

بانک پارسیان

آگهی مناقصه عمومی

شرکت تولید رنگ ساینا در نظر دارد موارد مورد نیاز ذیل را از طریق مناقصه عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. متقاضیان جهت اطلاع بیشتر به آدرس وبسایت شرکت به نشانی www.kswco.com مراجعه فرمایند.

- تأمین قطعات بدکی کمپرسور چیلر جهت سایت خرمشهر
- تأمین ترانس جوش‌های AC ایده ال جهت سایت خرمشهر
- اجاره ۶ دستگاه لیفتراک بدون راننده جهت سایت خرمشهر

بدین وسیله از کلیه صاحبان سهام گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام) یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۲ در محل تهران خیابان ولیعصر (عج) بالاتراز میدان ونک خیابان عطار پلاک ۱۰ طبقه (۱۰) مطابق دستور جلسه ذیل تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش فعالیت هیأت‌مدیره شرکت درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت درخصوص صورت‌های مالی حسابرسی شده سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- تعیین حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
- تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره شرکت
- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت
- سایر موارد قابل طرح و در صلاحیت مجمع عمومی عادی

هیأت‌مدیره گروه صنعتی پلور سبز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی

شرکت نفت پارس در نظر دارد طراحی، تأمین، ساخت، نصب و راه‌اندازی برج خنک‌کننده مرطوب فایبر گلاس (FRP) خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وبسایت رسمی شرکت به آدرس:

- تأمین ترانس جوش‌های AC ایده ال جهت سایت خرمشهر
- اجاره ۶ دستگاه لیفتراک بدون راننده جهت سایت خرمشهر

مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

تذکرات مهم:

- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مهم، فاقد تضمین اسپرد شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

مناقصه عمومی

شرکت پتروشیمی بوعلی سینا در نظر دارد تأمین ۹۰،۰۰۰ تن خوراک بنزین پیرولیز مجتمع خود را واقع در ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی سایت ۴ از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به اشخاص توانمند و واجد شرایط در این زمینه واگذار نماید.

- مهلت دریافت اسناد مناقصه، ده روز پس از انتشار نوبت دوم آگهی به نشانی مندرج در بند ۵
- آخرین مهلت تسلیم پاکت‌های مناقصه (الف، ب، ج) ده روز پس از خاتمه مهلت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مندرج در بند ۵
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱،۳۹۸،۵۹۹،۳۴۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا سپرده نقدی در وجه شرکت پتروشیمی بوعلی سینا می‌باشد.
- زمان گشایش پاکت‌های مناقصه: زمان گشایش متعاقباً اعلام می‌گردد.
- متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه بعد از انتشار آگهی به نشانی سایت اینترنتی شرکت پتروشیمی بوعلی سینا به نشانی WWW.BSPC.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی پتروشیمی بوعلی سینا